

# طرح ریزی کالبدی،

## مشکلات و راه‌حلهای آن در نواحی

عمیق در زمینه بازدهی محیط است. این اختلافات و ناهمگونی در سطوح محیطی، خودگسیختگی‌های عمیقی در زمینه توزیع فضایی جمعیت و فعالیت و بالطبع موجب فضا‌های خالی و پرتراکم شده است. بویژه اینکه بخش وسیعی از کشور ما در نواحی واقع شده که بلحاظ خست و خشونت طبیعت، بازده آبی و صرفه اقتصادی بخشی را چندان برآورده نمی‌کند. تنها بخشی از این سرزمین پهناور (نواحی زیرهمبارش سالانه ۲۰۰ میلیمتر) بدلیل مجاورت با دریاها و آبهای جنوبی کشور و همچنین عبور چند رودخانه دائمی از گوشه جنوب غربی این نواحی تا حدودی ظرفیتهای پتانسیلهای جذب جمعیت و فعالیت را خارج از حد میانگین این نواحی ارائه می‌نماید. بنابراین واگذاری توسعه خودبخودی و بدون هدایت و کنترل کالبدی، نتایج زیانباری در پی خواهد داشت. شاید به همین دلیل است که توسعه کالبدی را «مدیریت فضا» نامیده‌اند. مدیریتی که می‌کوشد بین منافع و عملکرد فردی و منافع و عملکرد اجتماعی در سطوح مختلف، نوعی تعادل و هماهنگی ایجاد نماید و بلکه بکوشد تا منافع فردی افراد جامعه را که در تضاد با منافع عمومی جامعه قرار می‌گیرد لگام زده و آن را در جهت منافع عمومی جامعه هدایت نماید. در اینجا است که می‌توانیم بگوئیم توسعه و طرح ریزی کالبدی به عنوان وجدان عمومی برنامه ریزی در سطح ملی و منطقه‌ای و به عنوان برنامه‌ای مستقل و ناظر بر برنامه‌های توسعه اقتصادی باید نقش ویژه خود را در راهبری و هدایت توسعه به مفهوم عام آن داشته باشد.

موفقیت در توسعه و طرح ریزی کالبدی در ایران با خصوصیات متنوع محیطی بستگی به شناخت دقیق توان‌های محیطی و بکارگیری متناسب و مطلوب از این توان‌ها در فرایند توسعه کالبدی دارد. این امر تا آن حد مهم و ضروری است که به جرأت می‌توانیم بگوئیم که عدم توجه به چنین امر مهمی بویژه در نواحی زیر منحنی همبارش سالانه ۲۰۰ میلیمتر که از محیطی شکننده و بی‌بازگشت برخوردار است، فاجعه‌ای در حال تکوین است. این فاجعه تخلیه و تخریب سکونتگاههاست. (به این نکته بازخواهیم گشت) برای پرداختن به موضوع اصلی این مقاله ضروریست به اجمال

طرح‌های توسعه و طرح ریزی کالبدی از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرند. از دیدگاه جغرافیایی، عوامل محیطی بعنوان بستر و کالبد طبیعی محیط، یکی از پایه‌های اصلی در فرایند توسعه کالبدیست. عامل طبیعی که ماحصل فرایندی طولانی در تشکیل و تکمیل زمین‌شناسی، مورفولوژی و موقعیت عمومی جغرافیایی یک کشور یا منطقه محسوب می‌شود، چه بسا، حتی در قلمرو جهان پیشرفته صنعتی نیز، با تکنیک و فن‌شناسی پیشرفته به دیکته کردن بسیاری از فرایندهای توسعه بینجامد. این امر و نهی محیط در قلمرو جهان کم‌توسعه، با دانش و فن‌شناسی ناچیز و بخاطر فقدان آگاهی از چند و چون عملکرد قوانین محیطی، بسیار قدرتمند عمل می‌نماید. در اینجا توزیع جغرافیایی جمعیت، کار و فعالیت و اشتغال در بسیاری موارد از طرف محیط بر عملکرد انسانی دیکته شده است. نتایج چنین فرایندی گسیختگی کالبدی در سطح ملی و منطقه‌ای است. با توجه به این واقعیت که معمولاً مواهب طبیعی در سطح یک منطقه و کشور یکسان توزیع نشده است، توسعه و طرح ریزی کالبدی الزام عملی ویژه‌ای می‌یابد. به عبارت دیگر ذات طبیعت بلحاظ ارائه پتانسیلهای موضعی، ضرورت توسعه و طرح ریزی کالبدی (بر پایه توان محیط) را طلب می‌نماید. در غیر این صورت، نقاط پربازده، جاذبه بیشتری برای تجمع سرمایه و امکان توسعه و نواحی کم‌بازده بدلیل فقدان و یا کمی امکانات طبیعی از جاذبه و امکان توسعه و فعالیت کمتری برخوردار می‌گردد. طرح ریزی کالبدی، طراحی فضا با تکیه بر توان‌های محیطی برای خلق محیطی سالم و مطلوب جهت انسان است. هر چه برنامه‌های اقتصادی، منفعت طلب، سودگرا، بازده نگر و بدنبال صرفه اقتصادی صرف است، طرح ریزی کالبدی به مثابه امری که منافع عمومی را بر منافع فردی و بخشی در اقتصاد، ارجح و برتری دارد، در پی استفاده بهینه از فضا برای راحتی و رفاه عمومی جامعه است. ضوابط، مقررات و معیارهای طرح ریزی کالبدی بویژه در فضای متضاد و گوناگون محیطی، بی‌تردیب، امری واجب و ضروری است. کالبد طبیعی سرزمین ایران با ارائه پتانسیلهای موضعی، حاوی اختلافات بس

## زیر همبارش سالانه ۲۰۰ میلیمتر در ایران

ناصر عظیمی دوبخشری  
مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری

نواحی که فاقد رودخانه‌های دائمی است، آب اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین عنصر حیات و توسعه محسوب می‌شود. وجود ارتفاعات بلند و همجواری با این ارتفاعات در پدید آوردن شرایطی با نسبتی مطلوب در این نواحی مهم‌ترین نکته است که در توسعه کالبدی باید بدان توجه خاصی مبذول گردد. در واقع یافتن حلقه مفقوده توسعه کالبدی در این نواحی خشن و کم‌بازده، در توجه به این نکته جغرافیایی است. چون بحث این مقاله بر این نکته مهم بنا شده، لازم است روی آن مکث بیشتری نمایم.

منبع رطوبت و بارش در فلات ایران عمدتاً در غرب کشور و از اقیانوس اطلس و بویژه از دریای مدیترانه منشأ می‌گیرد. هنگام ورود سیکلونهاى باران‌زا، ارتفاعات در جذب و دوشیدن منابع رطوبتی این سیکلونها نقش اصلی را بازی می‌کنند. یک مثال می‌تواند روشن‌کننده این واقعیت باشد. در حالیکه سیکلونهاى باران‌زا از بالای شهر بغداد با ارتفاع ۳۴ متر از سطح دریاهای آزاد عبور می‌کند، بارش سالیانه این شهر برابر ۱۰۶ میلیمتر در سال است. درست در امتداد تقریبی همان عرض جغرافیایی و همان سیکلونها در شهر خرم‌آباد با ارتفاع ۱۱۳۴ متر بارش سالیانه‌ای برابر ۵۲۰ میلیمتر فرو می‌ریزد. البته موقعیت دامنه‌ای رو به باد و ارتفاعات بلند اطراف شهر خرم‌آباد نیز در این امر مؤثر است، اما اساساً تفاوت بارش این دو شهر از میزان ارتفاع دو نقطه ناشی شده است. این سیکلونها پس از عبور از خرم‌آباد در شرق ارتفاعات اشترانکوه و زردکوه بختیاری و در شهر اصفهان بارشی فقط برابر ۹۵ میلیمتر در سال بر جای می‌گذارد.

(کمبود بارش در اصفهان اساساً از موقعیت پشت به دامنه رو به باد و موقعیت چاله‌ای آن نسبت به اطراف ناشی می‌شود). البته اصفهان بدلیل همجواری با موهبت بزرگ ارتفاعات بلند غرب اصفهان و زردکوه بختیاری و روان شدن زاینده‌رود از این ارتفاعات، موقعیتی ویژه خود را در فلات مرکزی ایران کسب نموده است. موقعیتی که در این پهنه، منحصر به فرد می‌باشد. به این ترتیب در زنجیره حیات سکونتگاههای شهری و روستایی در نواحی همبارش سالیانه زیر ۲۰۰ میلیمتر، همه چیز از ارتفاعات و همجواری با آن آغاز می‌شود. اکنون

محیط طبیعی ایران را از دیدگاه جغرافیای طبیعی بررسی نمائیم: فلات ایران در اثر استقرار بین سه پلیت (صفحه) عربستان، اوراسیا و هند بصورت توده برجسته‌ای درآمده است. در اثر این شکل‌یابی تکتونیک، مرزهای خارجی این فلات بصورت برآمده قسمتهای فرو رفته مرکزی و داخلی را در میان گرفته است. مورفولوژی کلی زمین در نیمه غربی کشور برجسته، پرعارضه و متنوع و برعکس در نیمه شرقی و مرکزی کم‌عارضه، کم‌ارتفاع و دارای چشم‌اندازهای بالنسبه یکنواخت است. این تفاوت مهم مورفولوژی به‌مراه موقعیت عمومی جغرافیایی یعنی قرارگیری ایران در کمربند بیابانی کره زمین و قرارگیری منبع عمده رطوبت آن در غرب کشور نقش مهمی در پدید آوردن سیمای طبیعی فلات ایران بشکل کنونی داشته است. بر خلاف تصور رایج، وجود ارتفاعات نعمت‌بزرگی برای هستی یافتن سکونتگاههای روستایی و شهری و در نتیجه تمرکز و حفظ جمعیت است.

واقع شدن ایران بر روی کمربند بیابانی دنیا و عمل فرونشینی (سوسیدانس) هوا در این کمربند و در نتیجه انطباق کمربند پرفشار جنب استوایی بر روی زمین ایران، کشور ما را در قیاس با میانگین بارش کره زمین به سرزمین خشک بویژه در نواحی کم‌عارضه و کم‌ارتفاع شرقی و داخلی تبدیل کرده است. در حالیکه میانگین بارش سطح کره زمین ۸۶۰ میلیمتر در سال است در ایران این مقدار به حدود ۲۴۰ میلیمتر یعنی چیزی حدود  $\frac{1}{4}$  میانگین بارش کره زمین کاهش می‌یابد. مساحتی برابر ۸۶۰ هزار کیلومتر مربع یعنی ۵۲ درصد از مساحت کل کشور از بارشی کمتر از ۲۰۰ میلیمتر برخوردار است. تقریباً تمام این ۸۶۰ هزار کیلومتر مربع در ارتفاعی کمتر از ۲۰۰ متر و در نواحی شرقی، داخلی و جنوبی واقع شده‌اند (نقشه ۱). وسعت بیشتری در همین نواحی فاقد رودخانه‌های دائمی است. وسعت نواحی فاقد رودخانه‌های دائمی حدود یک میلیون و صد و سی هزار کیلومتر مربع و یا بعبارتی حدود ۷۰ درصد مساحت کشور را در برمی‌گیرد (نقشه ۲). در نواحی زیر منحنی ۲۰۰ میلیمتر بارش و

به برخی از موارد بحران در این پهنه وسیع سرزمین به اجمال نظری می‌افکنیم.

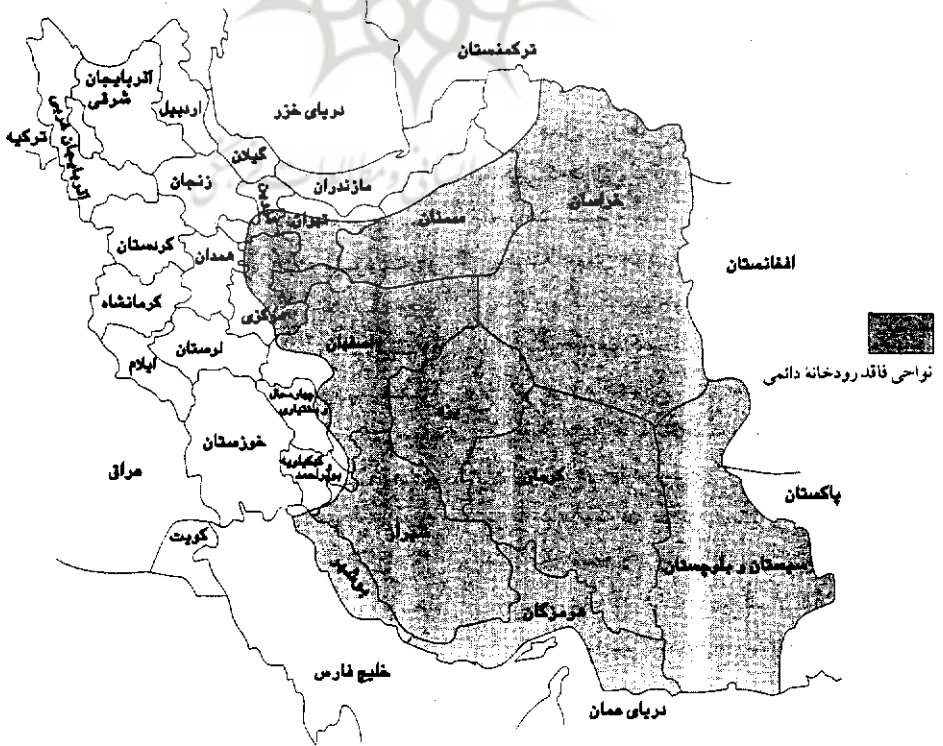
- فضاهای خالی، کم تحرک و فاقد روح زنده و فعال در بخش اعظم نواحی زیر همبارش ۲۰۰ میلیمتر از نتایج آشکار خست و خشونت محیط جغرافیایی این پهنه وسیع است. توزیع جغرافیایی نقاط شهری در سال ۱۳۶۵ در این پهنه نشان از پذیرش نقش ناچیز و کم اهمیتی در سکنی دادن جمعیت شهری و تعداد شهرهای کشور (بجز منطقه شهری اصفهان) دارد. این پهنه وسیع بجز در مواردی خاص که به اتکای همجواری با نواحی کوهستانی، جزایری و واحه‌ای عرضه می‌دارد، در موارد دیگر در آن، نقاطی کم تحرک و متفرق شهری دیده می‌شود که در بین آنها فضاهای خالی و بی روح، گاه چشم اندازهایی بسیار غم‌انگیز و چشم‌آزار پدید می‌آورد و فرسنگها در آن نشانی از حیات انسانی به چشم نمی‌آید. نقشه ۳ پراکندگی جغرافیایی شهرهای کشور در سال ۱۳۶۵ و نواحی بالای ۲۰۰۰ متر را نشان می‌دهد. توزیع فضایی شهرهای کشور در نیمه شرقی و مرکزی و همجواری آن با ارتفاعات در این نقشه به خوبی آشکار است. و نشان می‌دهد که سکونتگاههای شهری تا چه اندازه به پدیده ارتفاع در نواحی زیر همبارش سالانه ۲۰۰ میلیمتر، همبستگی نشان می‌دهد. در یافتن این نکته در طرح ریزی کالبدی فوق العاده مهم و اساسی است.

- نقشه ۴ نوسهرهایی را نشان می‌دهد که پیش بینی می‌شود بین سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ در سطح کشور پدید آیند. در این نقشه، شهرهایی که بر اساس تبصره ۱۹ قانون بودجه سال ۱۳۶۹ تحت عنوان شهرهای خودکفا در مراکز بخش‌ها موجود آمده و تعداد آن‌ها تا آخر سال ۱۳۶۹ به ۳۰ شهر رسیده و همچنین شهرهایی که تحت عنوان شهرهای جدید توسط وزارت مسکن و شهرسازی طراحی و ساخته می‌شود، در نظر گرفته نشده است. نو شهرهای موجود در این نقشه از نقاط روستایی پدید آمده‌اند. برای تهیه این نقشه، ابتدا نقاط روستایی بالای ۴۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۵ جمع‌آوری و با توجه به سابقه جمعیتی این نقاط در سال ۱۳۵۵ و رشد سالانه آن طی دهه ۶۵-۵۵ که در واقع بازتابی از آخرین تحولات اقتصادی و اجتماعی این نقاط می‌باشد بعنوان مبنای پیش‌بینی در نظر گرفته شده است. بنابراین با فرض این که چنین تحولاتی کم و بیش ادامه یابد (که احتمالاً در بسیاری موارد می‌تواند در دو دهه آینده نیز صادق باشد) آنگاه بطور بالقوه می‌تواند نو شهرهایی پدید آیند که مطابق نقشه ۴ توزیع فضایی پیدا می‌کنند. پراکندگی جغرافیایی این شهرها گویای این واقعیت است که محیط جغرافیایی هنوز نقش عمده‌ای در فرایند توسعه کالبدی کشور بازی می‌کند. بعبارت دیگر فرایندی خودبخودی بر اساس توزیع پتانسیلهای تضمین شده محیطی، هنوز عملکرد انسانی را به میزان زیادی تحت الشعاع خود قرار داده است. در این نقشه نو شهرهایی که در زیر منحنی همبارش سالانه ۲۰۰ میلیمتر پدید

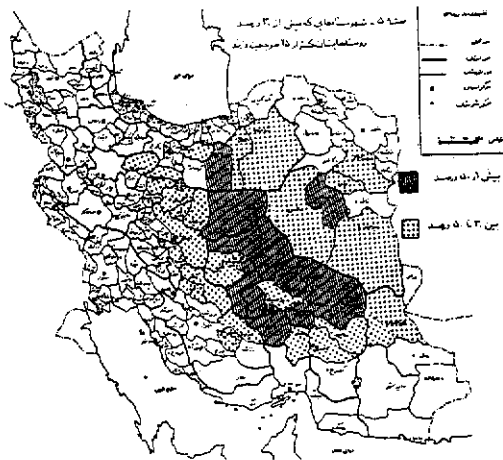
خواهند آمد، اولاً محدود و ثانیاً پیدایش آنها باز هم با اتکا به همجواری با ارتفاعات خواهد بود.

- مهمترین مشکل توسعه و طرح ریزی کالبدی ملی و منطقه‌ای در نواحی زیر همبارش ۲۰۰ میلیمتر، تخلیه سکونتگاههای روستایی است که به مرز بحرانی رسیده است و حتی در برخی موارد از مرز بحرانی نیز گذشته است. در واقع بر هم خوردن تعادل اکولوژیکی بدلیل بهره‌وری خارج از ظرفیت و نابخردانه محیط می‌رود تا برای همیشه مأمّن و مأوای واحه‌های تاریخی این نواحی را به سرزمینهای خشک، بدمنظر و چشم‌آزار تبدیل نماید. توزیع فضایی این نقاط بحرانی صرفنظر از خست و خشونت محیط و دستکاری نابجای محیط تا حدود زیادی نیز حاصل فرایند زیانباری است که می‌توان آن را نگرش بازده صرفاً اقتصادی حاکم بر برنامه‌های زمانبندی توسعه اقتصادی کشور نامید. برنامه‌هایی که می‌کوشد بدون توجه به توسعه بالنسبه همگون و متوازن کالبدی تنها به رشد کمی داده‌های اقتصادی بپردازد. در این راه سرمایه‌گذاری و امکان توسعه بیشتر به نواحی پربازده معطوف می‌شود. نقشه ۵ با مفاهیم کاملاً جغرافیایی برخاسته از آن این بی‌توجهی مفرط به سرنوشت بخش وسیعی از سرزمین کشور ما را که نیمی از مساحت کشور را در بر می‌گیرد نشان می‌دهد. وجود چنین پدیده‌های برجسته‌ای ما را ناگزیر به پذیرش نوعی ایده جبر جغرافیایی در این نواحی می‌نماید. جبری که انسان را به زانو درمی‌آورد و از مأوا و مسکن خود بر خلاف میل باطنی به محیط اجدادیش، با خشونت می‌راند. در این نقشه شهرستانهایی را مشاهده می‌کنیم که بیش از ۵۰ درصد روستاهایشان خالی از سکنه شده‌اند. در برخی از این شهرستانها نظیر سبزوار، کاشمر، گناباد، فردوس، قانات، نائین، اردکان یزد، کاشان، سمنان، قمشه، آباده و اقلید افزون بر ۷۰ درصد روستاها در سال ۱۳۶۵ خالی از سکنه بوده‌اند. اطلاعات آماری نشان می‌دهد که طی ده سال تعداد ۱۱۶۱۹ روستا خالی از سکنه شده و تعداد روستاهای خالی از سکنه از ۲۶۹۵۲ روستا در سال ۱۳۵۵ به ۳۸۵۷۱ روستا در سال ۱۳۶۵ رسیده است (ن. ک. سرشماری ۱۳۵۵-۱۳۶۵) اطلاعات موجود نشان می‌دهد که این روند بحرانی تخلیه سکونتگاههای روستایی همچنان ادامه دارد و در برخی موارد حتی تسریع نیز شده است. تخلیه سکونتگاهها در این نواحی با پیشروی کویر و دفن دائمی منشأ و مأوای حیات انسانی همراه می‌باشد. مفهوم این تحولات این است که باز هم تعادل اکولوژیکی محیط در این نواحی بهم خواهد خورد و محیط بیش از پیش روی ترش به ساکنان باقیمانده این نواحی نشان خواهد داد. تخلیه و تخریب سکونتگاهها تنها منحصر به نواحی روستایی نخواهد بود و نهایتاً با پیشروی کویر، حلقه محاصره تنگتر خواهد شد و شهرهای این نواحی نیز در معرض تهدید خواهد بود.

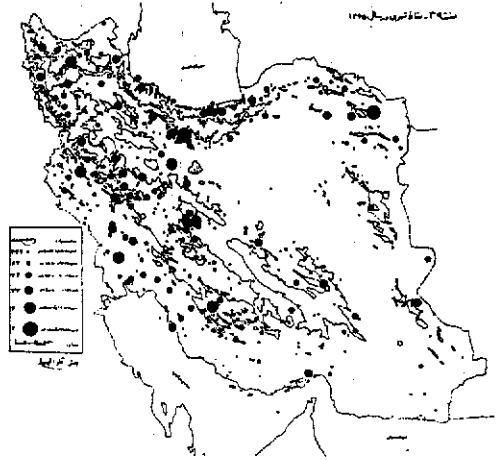
سناریویی که تقریباً در اکثر روستاهای تخلیه شده تکرار می‌شود





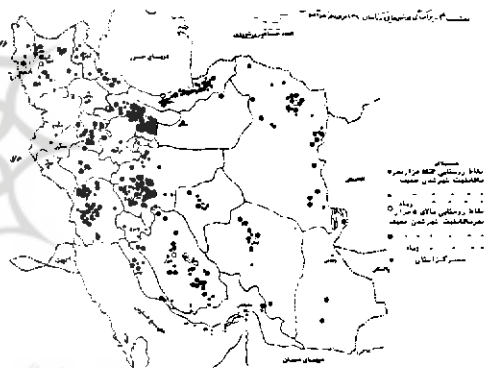


نقشه شهرستانهایی که بیش از ۳۰ درصد روستاهایشان کمتر از ۲۵ نفر جمعیت دارند.

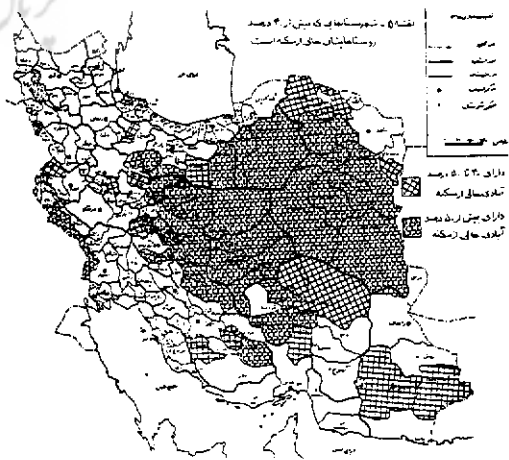


نقشه نقاط شهری در سال ۱۳۶۵

می شود. هرچند متأسفانه در نواحی کم فعال و کم بازده شرقی و مرکزی ایران که زیر منحنی همبارش ۲۰۰ میلیمتر واقع شده اند، ارتفاعات بلند و بالای ۲۰۰۰ متر بسیار کم و تنها بصورت جزایری منفرد ورشته های باریک خودنمایی می کند، ولی با وجود این، نقطه شروع و آغاز توسعه کالبدی در این نواحی باید با اتکاء بر نواحی کوهستانی و نواحی مجاور آن باشد تا پایگاهی برای دخول به نواحی خشن تر و کم بازده تر دیگر ایجاد شود. دلایل فنی و جغرافیایی انتخاب چنین مکانهایی برای نقطه آغازین و کانون توسعه کالبدی چندان پیچیده و بغرنج نیست. ارتفاعات با توجه به خصوصیات جغرافیای طبیعی ایران که قبلاً برشمردیم، بعنوان عامل پایه ای برای جذب رطوبت و ذخیره منابع آب، خاک تکامل یافته تر، تعدیل درجه حرارت، کاهش تبخیر و نهایتاً جزایری بالنسبه مطلوبتر نسبت به اطراف خود محسوب می شوند. بعبارت دیگر مغناطیس کوهستان عامل اصلی کشش و جذب جمعیت و نگهداشت آن در این نواحی محسوب می شود. خوشبختانه رژیم بارش در این نواحی بیشتر زمستانی است. یعنی زمانی که عامل تبخیر در پایین ترین حد خود قرار دارد و این فرصتی ایجاد می کند تا آب حاصل از بارش به مقدار بیشتری در خاک نفوذ کند. یکی از دلایل اصلی بستگی حیات سکونتگاههای این نواحی به منابع آبی زیرزمینی همین شرایط رژیم بارش زمستانی آن می باشد. نحوه و مقدار بهره برداری از آبهای زیرزمینی عامل مهمی در ادامه حیات سکونتگاههای این نواحی محسوب می شود. در گذشته بدلیل پایین بودن سطح تکنیک بهره برداری و کندی رشد جمعیت، انسان بنحوی با محیط اطراف خود تعادل پیدا کرده بود ولی این تعادل اکولوژیکی با افزایش جمعیت و بالا رفتن سطح تکنیک بهره برداری از زمین و آب، اکنون بشدت



نقشه پراکندگی نوسه‌های که تا سال ۱۳۹۰ بوجود خواهد آمد.



نقشه شهرستانهایی که بیش از ۴۰ درصد روستاهایشان خالی از سکنه است.

دستخوش بحرانی است که در انتهای فرایند آن، محیط دستکاری شده واکنشی منفی نسبت به کارکرد و رابطه انسان بروز داده، انسان و همه حیات وابسته به جوامع انسانی را دفن یا دفع خواهد کرد. بنابراین از آنجایی که محیط این نواحی در صورت بهره‌کشی خارج از ظرفیت به محیطی بی‌بازگشت به شرایط اولیه مبدل می‌گردد، استفاده مطلوب و در حد ظرفیت عامل اول در توسعه کالبدی این نواحی تلقی می‌شود. بعبارت دیگر قانون اساسی توسعه و طرح ریزی کالبدی در نواحی زیر همبارش ۲۰۰ میلیمتر باید اولاً استقرار کانونهای توسعه کالبدی در نواحی مرتفع و همجوار آن و ثانیاً استفاده در حد توان و ظرفیت محیط باشد. در غیر این صورت محیط حتی همان بازده ناچیز را نیز دریغ می‌دارد. البته برای بالا بردن ظرفیت جمعیت‌پذیری و توسعه و توان فعالیت که نهایتاً به توسعه کالبدی این نواحی منتهی خواهد شد، باید کوششها و تمهیدات دیگری نیز انجام گیرد. یکی از کارهای اولیه برای انجام توسعه کالبدی و استقرار و تثبیت فضاهای کالبدی مربوط به جوامع انسانی، تثبیت خاک و توسعه جنگلکاری از طریق برگزیدن گونه‌های مقاوم و سازگار با محیط می‌باشد.

مدیریت منابع آب در این نواحی مدیریتی است بسیار حساس و مهم و باید با دخالت دولت و مدیران و متخصصین منابع آب به مطلوبترین روش بهره‌برداری و استفاده کارآمد و صحیح از این منابع دست یافت.

برای تثبیت حیات جوامع انسانی و پیشروی به داخل نواحی خالی از جمعیت و فعالیت بجای پیشروی نواحی بیابانی بسمت جوامع انسانی و آبادیها، تثبیت ماسه‌های روان امر فوق‌العاده مهم و حیاتی است. تجربه این کار به اندازه کافی در نزد سازمانهای مسئول ایرانی وجود دارد.

بنابراین همانطور که ملاحظه می‌شود برای غلبه بر مشکلات طرح ریزی کالبدی در نواحی زیر همبارش ۲۰۰ میلیمتر که مساحت آن حدود ۸۶۰ هزار کیلومتر مربع یعنی بیش از نیمی از مساحت کشور است، همیاری و تشریک مساعی تخصص‌های گوناگون علمی نیاز است تا بتوان محیطی مطلوب برای زندگی در این نواحی پدید آورد. در پایان لازم است به نکته‌ای مهم در طرح ریزی کالبدی بطور کلی و طرح ریزی این نواحی بطور اخص اشاره گردد. در مباحث مربوط به توسعه و طرح ریزی کالبدی غالباً از توسعه موزون و هماهنگ صحبت می‌شود. می‌دانیم که در مباحث توسعه اقتصادی، توسعه همگون به مفهوم توسعه متوازن بخشی است بعبارت دیگر در این فرایند، توسعه مطلوب این است که بخشهای صنعت، کشاورزی، حمل و نقل و ... در ارتباط و همسطح یا یکدیگر توسعه یابند. اما در طرح ریزی کالبدی توسعه موزون و هماهنگ، توسعه‌ای است که سازمانیابی فضا با توجه به توان محیط صورت گیرد. اما بر

خلاف این نظر توسعه موزون و همگون کالبدی معمولاً به این مفهوم اطلاق می‌شود که گویا تمام فضاها در یک سطح و یا لااقل در سطوحی تقریباً برابر در ایجاد فعالیت و جذب جمعیت نقش‌پذیری یکسانی داشته باشند. پذیرفتن چنین تعریفی در کشورهای دارای سطوح زمینی بالنسبه همسان از نظر جغرافیایی تا حدودی منطقی و پذیرفتنی است ولیکن در کشوری چون ایران با تضادهای فاحش محیطی، توسعه موزون و هماهنگ مفهوم دیگری می‌یابد. مثلاً فضاهای موجود در زیر منحنی همبارش ۲۰۰ میلیمتر امکان نقش‌پذیری مساوی با نواحی بالای ۲۰۰ میلیمتر را ندارد. حتی در پهنه وسیع همین ناحیه نیز نمی‌توان از توسعه موزون و هماهنگ به مفهوم بالا سخن گفت. توسعه موزون در این نواحی باید متناسب با ظرفیت محیط و به اعتبار حداکثر توانی باشد که می‌تواند عرضه نماید، بدون اینکه دستخوش تخریب گردد. بعبارت دیگر محیط الزامات لازم را برای نوع و میزان توسعه کالبدی به ما ارائه می‌کند. شناخت دقیق این الزامات قدم اساسی در طرح ریزی کالبدی این نواحی تلقی می‌گردد.

#### منابع:

- ۱- فرهنگ آبادی‌های شهرستان، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، مرکز آمار ایران، ۱۹۰ جلد
- ۲- فرهنگ آبادی‌های استان، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵، مرکز آمار ایران، ۲۳ جلد
- ۳- نتایج تفصیلی کل کشور، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، مرکز آمار ایران.
- ۴- نتایج تفصیلی کل کشور، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵، مرکز آمار ایران.
- ۵- سالنامه آماری هواشناسی (۱۹۷۵-۱۹۸۳)، سازمان هواشناسی کشور
- ۶- نقشه 1:250,000، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- ۷- نقشه 1:2,000,000، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- ۸- نقشه 1:1,000,000، سازمان نقشه‌برداری کشور
- ۹- نقشه 1:2,500,000، همبارش سالانه ایران، وزارت نیرو